



گزارشی از ظفار

ه آبانماه ه

انقلاب عمان یکی از حساسترین مراحل خود را میگذراند. با تمام شدن فصل خریف، یعنی فصل بارانهای موسمی در منطقه ظفار که مصادف با فصل تابستان در سایر مناطق خلیج است، نیروهای دشمن دست به نقل و انتقالات وسیعی در منطقه غربی اهالت ظفار زدند، که این نقل و انتقالات حکایت از تدارک دشمن برای یک حمله وسیع قریب الوقوع مینمود. جبهه خلق برای آزادی عمان، کار را خبر حمله قریب الوقوع نیروهای شاه را در منطقه غربی اعلام نمود. جبهه خلق همچنین اعلام نمود که این حمله برخلاف گذشته حمله وسیعی خواهد بود، و در آخرین اعلامیه های جبهه گفته شد که این حمله در اواخر آبان ماه آغاز خواهد گردید.

روز ۲۳ مهر (برابر با ه اکتبر) حمله نظامی دشمن در ساعت ۵ و ۵ دقیقه صبح

بدین ترتیب آغاز گردید:

۱- هواپیماهای دشمن قریه حوف (نزدیکترین قریه بمسقط نسبت به مرز یمن - عمان) را شدیداً بمباران نمودند. این بمباران تنها تا غروب روز ۲۳ مهر ادامه داشت. این حملات هوایی در روز ۲۴ مهر نیز تنها با تکرار میگردد. تجاوز هواپیماهای دشمن حاک یمن دمکراتیک همچنان ادامه دارد. و در روز سوم مهرماه، بار دیگر بمباران دهگانه یعنی حوف از طرف دشمن از سر گرفته شد.

۲- همزمان با بمباران هوایی، تیخانه دشمن در مرکز صرفیت، در شمال غرب منطقه آزاد شده، مناطق مسکونی یعنی را در مرز دو کشور زهر آتش تیخانه سنگین حریف گریزند. آتشباری تیخانه همچنان ادامه دارد.

۳- همراه با تیخانه و هواپیماهای دشمن، فایدههای جنگی سرود دریائی ارتش شاه سره. همان مناطق مسکونی یعنی را که ادا میگردند انقلابیون جبهه خلق برای آزادی عمان در تمرکز دارند، بهر آتش تیخانه سنگین خود گرفتند. این آتشباری نیز همچنان ادامه دارد.

۱- در آخرین ساعات روز ۲۳ مهر، دشمن از مرکز صرفیت سمت جنوب در خط مرزی یمن و مکرانیک و عمان شروع به پیشروی نمود که نیروهای ارتش آزاد بیخش خلق در جبهه وسیعی با دشمن درگیر شده، قهرمانانه در برابر آنها دفاع نمودند. جنگ سختی هم اکنون بین انقلابیون عمانی و نیروهای قابوس و ارتش شاه در این منطقه جریان دارد.

۵- همچنین همزمان با پیشروی فوق، دشمن شروع به پیاده کردن نیروهای خشن در مناطقی در شمال - غرب بندر وخبوت نمود که نیروهای ارتش آزاد بیخش با آمادگیهای قبلی، بمقابله قهرمانانه‌ای با آنان پرداختند و هم اکنون جنگ سختی بین طرفین در این منطقه نیز در جریان است.

نتایج نبرد تا روز ۲۸ مهرماه بر اساس بهانه‌های نظامی جبهه خلق برای آزادی عمان به شرح زیر است:

- ۱- سقوط ۱۰ هواپیمای جنگنده و هلیکوپتر دشمن.
- ۲- کشته شدن ۱۵۱ نفر از نیروهای دشمن.
- ۳- نابودی بیش از ۱۰ موضع دفاعی مسلح به مسلسل سنگین دشمن.
- ۴- شهادت ۳ تن از رزمندگان ارتش آزاد بیخش خلق.

این حمله از نظر وسعت، وسیعترین حمله‌ایست که تاکنون نیروهای اشغالگر و تجاوزگر شاه و استعمارگران انگلیسی و مزدوران قابوس بر علیه انقلاب خلق عمان بدان دست زده‌اند.

از طرف دیگر، برای نخستین بار در تاریخ دخالت نظامی ارتش شاه در عمان، رژیم شاه و قابوس رسماً اعلام میدارند که به خاک یمن و مکرانیک تجاوز کرده و مناطقی را در این کشور بیماران نموده‌اند. این سیاست جدید استعمارگران و سگان زنجیری آنها، شاه و قابوس است که با بیماران مناطق مسکونی خاک یمن و مکرانیک، در برابر افکار عمومی جهان و بجزه خلق عرب، مسئله اصلی عمان را که عبارت از نبرد رهایی بخش خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان بر علیه رژیم دست نشانده سلطان قابوس میباشد، اختلافات بین رژیم قابوس و دولت انقلابی یمن و مکرانیک جلوه دهند، و بدین ترتیب از برساخت شناختن جبهه خلق برای آزادی عمان سر باز زنند.

دولت انقلابی یمن و مکرانیک، با هوشیاری کامل از هرگونه اقدامی که منجرشناسایی رسمی ادعای دولتهای دست نشانده ایران و عمان شود، اجتناب میورزد و مصرا بر این

موضع تأکید مینماید که دولت یمن و مکزیک بهیچوجه دخالتی در امور داخلی عمان نداشته مسئله اصلی را، جنگ بین دولت قایس از یکطرف و خلق عمان برهبری جبهه خلق بسرای آزادی عمان از طرف دیگر تشکیل میدهد.

از طرف دیگر، دلبتهای ارتجاعی و تسلیم طلب عرب، در برابر تجاویزات و کشتاری که نیروهای تجاوزگر شاه و استعمارگران انگلیسی و مزدوران اردنی و قایس نسبت به خدس قهرمان عمان بعمل میآیند، سکوت اختیار کرده، با سکوت خفشی در اعمال فشار بر جنبش عادلانه و بحق خلق عمان شرکت میکنند.

سازمان مجاهدین خلق ایران، طی تلگرامی همبستگی کامل خود را با مبارزات عادلانه و بحق خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان اعلام نمود. ما از کلیه نیروهای انقلابی و شرقی و بشردوستان میخواهیم که بحمايت از انقلاب خلق عمان که مورد وحشیانه ترین حملات نظامی ارتش شاه مزدور و سگان همزنجیرش و استعمارگران انگلیسی قرار گرفته است، برخیزند، و با کوششهای افشاگرانه خفشی، توطئه سکوت حکومتی ارتجاعی عرب را درهم شکنند.

متن تلگرام همبستگی سازمان مجاهدین خلق، بدین شرح است:

رفقای کمیته اجرایی مرکزی جبهه خلق برای آزادی عمان!

در زمانیکه حملات وحشیانه و مشترک نیروهای شاه، این ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه و نیروهای قایس مزدور بفرماندهی استعمارگران انگلیسی و با همکاری نیروهای ملک حسین خائن بر علیه خلق قهرمان و برادر عمان شدت یافته است و شاه و این دیکتاتور خون آشام و این جلا و خلیقهای ایران و خلیج از درون بلند گویای تبلیغاتی خود بیشرمانه نقض خود بعنوان ژاندارم امپریالیسم در منطقه و کشتار خلق عمان افتخار میکند، و در زمانیکه مترجمین محلی و تسلیم طلبان عرب در برابر کشتار وحشیانه خلق قهرمان عرب در عمان به توطئه سکوت ادامه میدهند، ما از درون سنگر مبارزه مسلحانه خلق در ایران و در زهر سیاهترین و دردمنشانه ترین دیکتاتوریهای پلیسی تاریخ، همبستگی خود را با مبارزات عادلانه خلق عمان برهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان" اعلام میداریم و بار دیگر پیوند انقلابی خفشی را با شما در راه نابودی کامل امپریالیسم و سگان زنجیرش در منطقه، بهیچ شکست نقشه های توسعه طلبانه و مداخله جهلانانه رژیم شاه در خلیج، تجدید مینمائیم.

ما بیش داریم همه تلاشهای تجاوزکارانه و ضد خلقی امپریالیستها و مرتجعین محلی در برابر اراده انقلابی خلقهای منطقه و همبستگی هر چه بیشتر آنها، سرانجامی جز شکست خفت بار برای آنان نخواهد داشت. و این سرنوشت محتوم همه دشمنان خلقهاست.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۸ مهر ماه ۱۳۵۴

از طرف دیگر در روز جمعه ۱۹ مهرماه گذشته، از طرف جبهه خلق برای آزادی عمان کنفرانس مطبوعاتی ای با شرکت خبرنگاران روزنامه‌ها و مطبوعات معروف عربی و غربی و از آنجمله خبرنگار روزنامه لوموند و مجله نیول ایزرواتور فرانسوی و مجله شرقی البلاغ بیروتی و همچنین خلیان اسیر ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر، در مناطق آزاد شده عمان تشکیل گردید و در آن کنفرانس خلیان اسیر به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.

در این مصاحبه مطبوعاتی که در اغلب مطبوعات معروف عربی منتشر گردید، ستوان اشرفیان از رفتار فوج العاده انسانی و دوستانه جبهه خلق برای آزادی عمان در مورد خویس سخن گفت و اظهار داشت که رژیم شاه و فرماندهان ارتش ایران، مردم و انقلابیون ظفار را شتی شورش و وحشی معرفی می نمایند، درحالیکه او با حقایق کاملاً مخالف ادعاهای فرماندهانش در ظفار روبرو شده است.

خلیان اسیر در این مصاحبه اظهار داشت که او به توسط افسران آمریکائی که در ارتش ایران هستند، تعلیمات دیده است. خلیان اسیر پیوسته از این موضوع اظهار نگرانی میکرد که مبادا اگر حقایق را در مورد رژیم شاه بگوید، رژیم و فرماندهان ارتش فرزندانش خردسال او و خانواده فقیرش را تحت فشار اقتصادی قرار داده، آزار و شکنجه نمایند. خلیان اسیر در این مصاحبه درباره عدم رضایت سربازان و افسران ایرانی در ارسال آنها به ظفار سخن گفت و وقتی از او در مورد دلیل عدم رضایت نیروهای ایرانی به شرکت در جنگ با انقلابیون عمان سؤال شد، او پاسخ داد: زیرا که آنان هیچگونه منافعی در این جنگ ندارند.

ستوانیکم اشرفیان در دنباله سخنان خود اظهار مداشت که خلیانان ایرانی از فرماندهان خود دستور اکید دارند که حیوانات و مراکز تجمع آب اهالی ظفار را نابود سازند، و وقتی از او در مورد دلیل این امر سؤال شد، افزود: زیرا که حیوانات تنها وسیله زندگانی این مردم اند!

سخنگوی جبهه خلق برای آزادی عمان در این کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که سازمان صلیب سرخ بین المللی طی تلگرافی از هلال احمر عمان در باره چگونگی وضع ستوان اشرفیان پرسیده و از هلال احمر عمان خواسته است تا ترتیبی دهد که نماینده صلیب سرخ بین المللی بتواند با ستوان اشرفیان اسیر ملاقات نماید. در پاسخ به این تلگراف صلیب سرخ بین المللی، هلال احمر عمان طی تلگرافی رسماً اعلام نمود که خلبان اسیر در سلامت کامل بوده و خانواده او میتوانند از طریق جبهه خلق برای آزادی عمان با او مکاتبه داشته باشند. ولی در مورد ملاقات نماینده صلیب سرخ بین المللی با خلبان اسیر، سازمان هلال احمر عمان اعلام داشت که این امر در صورتی امکانپذیر است که همزمان با آن، نماینده جبهه خلق برای آزادی عمان و یا هلال احمر عمان بتوانند از زندانیان سیاسی عمانی در زندانهای سقط دیدن نمایند.

خلبان اسیر ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر از اهالی رضایه آذربایجان بوده و چهارمین سال خدمت خویش را در ارتش ایران میگذرانده است. ناصبرده دارای دو فرزند دختر و پسر میباشد.

ما در زهرتن کامل گفتار خلبان اسیر ستوان اشرفیان را خطاب به خلق عمان، عیناً نقل میکنیم.

من کامل گفتار خلبان اسیر ایرانی، ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر، که در مراسم خاصی در مناطق آزاد شده عمان (ایالت ظفار) در تاریخ پنجم آبان ماه، با شرکت گروه کثیری از مردم عمان، خطاب به خلق عمان ایراد کرده است:

"هدف ما مبارزه با شما بود. ولی با ایرانیان اصولاً هیچوقت راضی نبودیم که باین ماموریت بیایم. ولی چون سرمازم، مجبوریم دستور را گوش کنیم. ما از اینکه آمدیم باینجا، هیچ چیز درباره شماها ما نمیدانستیم. فقط ایمن رو میدانستیم که اونا یکمده شورش هستند که کم نیست شدن، که محدودان منطقه استان ظفار رو مستقل کنن و زندگی کنن. از اینکه گفتن درباره شماها هیچ چیزی نمیدانستیم، حقیقت داره. و در ضمن بما گفته بودن و شاید میدیدم که میگفتند اگر کسی بخاطر شماها بره، با اسیر شما بشه، در وهله اول قطعه قطعه اش میکنن.

و در یکی از این ماموریت ها بود که برای سربازها آب برده بودم، در موقع برگشتن مورد اصابت گوله شما قرار گرفتم و وقتی هلیکوپتر من سرتنگون شد،

چون برقیتم سنس کم بود ، من بهش گفتم برو . ایشون رفت . چون پای من گولسه خورده بود ، ماندم و بنده اسلحه‌ای که نداشتم که از خود دفاع کنم . چون برای ما دونفر يك اسلحه بود که من آنرا دارم برقیتم و خودم بی اسلحه نشستیم . در این موقع دیدم سه تا از رفقای شما دارن میآیند بطرف من . چون قبلا شنیده بودیم که رفقای شما بمحرم بدن اسیر میکنندش ، و من چون اسلحه نداشتم از خودم دفاع کنم ، خودم را برای مردن آماده کردم . ولی برعکس تصور من ، این رفقای شما عوض اینکه مرا ازیت بکنند ، چون اسلحه نداشتم ، باکمال محبت ، مهربانی با اینکه نظاره‌های انگلیسی بهماران میکردند اطرافرا ، اینها کمک کردند از زمین بلند شدم . مرا باخودشان آوردند توی غار . من چون از درد پام خیلی ناراحت بودم ، حتی خواهش کردم که اینا مرا بکنن . ولی اینا عوض اینکه مرا بکنن بمن محبت کردن ، مرا آوردن توی غار . توی غار که رسیدیم ، دیدم واقعا اینا چه صفا ، چه صمیمیت ، چه محبتی نسبت به همدیگه دارن .

تقریبا پنج روز طول کشید که مرا از جنگل تا اینجا آوردن و حتی برای راحتی من تنها وسیله‌ای که در آنجا بود ، يك الاغ بود ، اونو آوردن که من راحت باشم . خودشون شبها پترو رو من میدادن من رو میخوابیدم ، خودشون روی زمین میخوابیدن . واقعا من تحت تأثیر کارهای اینا قرار گرفتم . درد اخل جنگل بسا اینکه تنهها بر اینها افروزد میآید ، گوله تنهها ، انگلیسیها از هوا تیراندازی میکردن و اونو اینا از زیر سنگن قاچم میکردند بعد خودشون میامدن قاچم میشدن ، و باهم ترتیب بوده که آمدیم رسیدیم باینجا .

خیلی عذر میخوام ، یادم رفت بهتون بگم در جنگل بهرزنی مرادید با اینکسه فکر میکنم این یگو از بستگانش هم مرده بود ، این منو غل کرد و بوسید . من واقعا از این بهرزن خجالت میکشیدم که چرا ماها آمدیم اینجا برای چه ؟ کی رابکنیم ؟ این زن را ؟

و ما آمدیم اینجا رسیدیم . در وهله اول دگتر آمد بالای سرم باهم راهبانسان کرد و این مرد می را که دور و بر من بودند و الان هم هستن ، يك آن از مواظبت من غفلت نمیکنند . آب میخوام ، آن واحد بالای سرم حاضر میکنند . خودشون غذای بد میخورن ، بهترین غذا را بمن میدن . اینکار واقعا شایسته يك انسانه . من خردم رو قابل این همه محبت شما نمیدونم . و چیزی که مرا اینجا بیشتر تحت تأثیر قرار داد ، این یکسان بودن ، هم شکل بودن محبت ، صمیمیت و وفاست که شماها نسبت به همدیگه دارین . در مملکت ما یا در مملکتهای دیگه اینطوری

نیست. هرکس پول دارد، بیشتر احترام دارد، هرکس فقیر احترام ندارد. بعقیده شخص من، این تنها آرزوی هست که یک ملت فقیر دارد. ملت فقیر چه شماها باشید، چه ماها باشیم، چه جاهای دیگر دنیا باشند، طالب آزادی، طالب محبتند. من این احساس رو در بین شما دیدم و وجودم چون از طبقه فقیرم، بخواسته‌های شما احترام میگذارم و خواسته‌های شما رو میدونم که الان بهترن میگویم.

من در اول گفتم شما، ما ایرانیها هیچ چیز درباره شما نمیدانیم. ولی الان که من آمدم اینجا بعنوان یک ایرانی، این حقیقت برام مسلم شده که جنگ شما یک جنگ کمونیستی نیست. شورش نیست. بلکه یک آزادیه. شما هم طالب آزادی هستید. طالب این هستید که مدرسه داشته باشید، بیمارستان داشته باشید. مثل بقیه مردم آزادی داشته باشید. ولی ماها نمیگذاریم. و این حرفهایی که من میزنم، اینها از روی ترس نیست. برای اینکه من از مرگ نمیترسم و رفقای شما بهیچوجه مرا ازیت نکرده‌اند که من پیام این حرفها رو بشما بزنم. اینها حقیقتی است که میبینم و احساس میکنم.

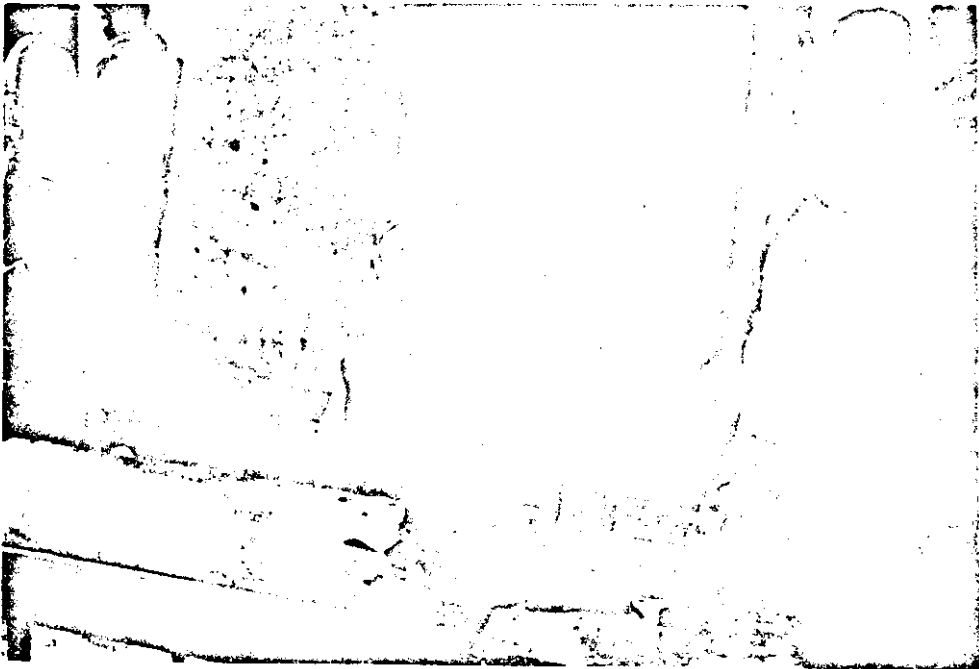
من مثل شماها که اغلبتون بچه دارین، دوتا بچه دارم. یکی بزرگه یکی که کوچیکه دختره. کوچیک اینا، ولی دلم میخواد یک زمانی اینا هم مثل شما ایمان داشته باشن. شماها هستون ایمان دارین و بخاطر ایمانتان جنگ میکنین. ولی ماها بخاطر چی؟ بعد از اینکه الان میفهمم که شما واقعا بخاطر آزادی و بخاطر ایمانتان جنگ میکنین، بشما احترام میگذارم و بخاطر محبتهایی که بمن کردین و میکنین، من هرکمی از دستم برمیاد، برای شما میکنم.

دولت من و دولت عمان، من نمیدانم برای چی ما را فرستادن اینجا؟ با سلطان از ما چی میخواد که ما را خواسته اینجا؟ بما گفته که اینها شورشین، ولی دلم میخواد تمام ایرانیها اینجا باشند و ببینند که این مردم فقیر شورش نیستند. بخاطر بچه هاشون، بخاطر آزادیشون، بخاطر زندگیاشون دعوا میکنن.

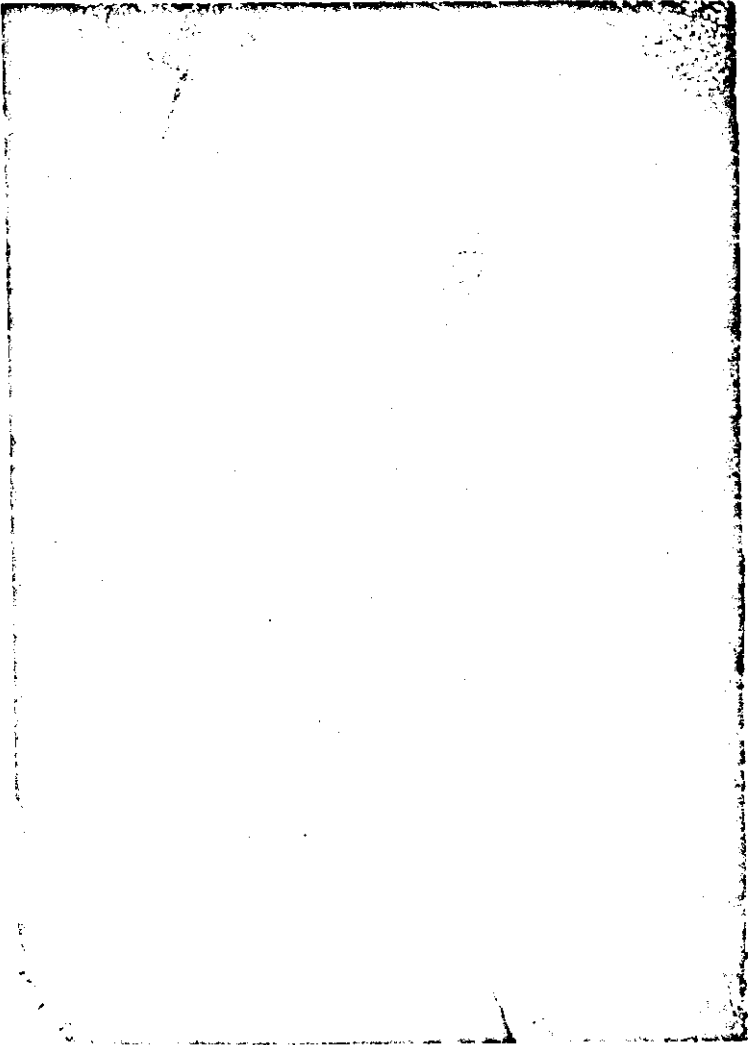
امروز از رفقای شما شنیدم که سه تا از رفقای شما که منو آوردن اینجا و نهایت محبت را بمن میکردن، شنیدم اینا شهید شدن. من از این بابست واقعا متأسفم. اینا بخاطر آزادیاشون مردن. و اینم میدونم چون رفقای شما گفتند شماها بسیاری از عزیزانتان را از دست دادین و من چون یکی از آن

آدمها هستیم که آدم اینها و عزیزان شما را گرفتیم، بخاطر محبتهای شما، بخاطر انسانتهای شما که بمن کردید، من خونم را برای شما حلال میدانم و در سزایم عرایض آرزو میکنم که شما با این ایمانی که دارید، به خاطر هدفی که دارید، موفق باشید.

میباشید که فراموش کردم بهشتون بگم، این کلاهی که می بینید و این لباسی که می بینید، این هواپیمائی که می بینید، خیال نکنید این شکست ناپذیره. این کلاه فقط برای صحبت کردن با پایگاه هست، فقط وپس. حفاظ دفاعی نداره و در ضمن این هواپیمای هلیکوپتر هم که می بینید، این آسیب پذیره. خیال نکنید که این ضا ناپذیره. از این وحشت نداشته باشید.



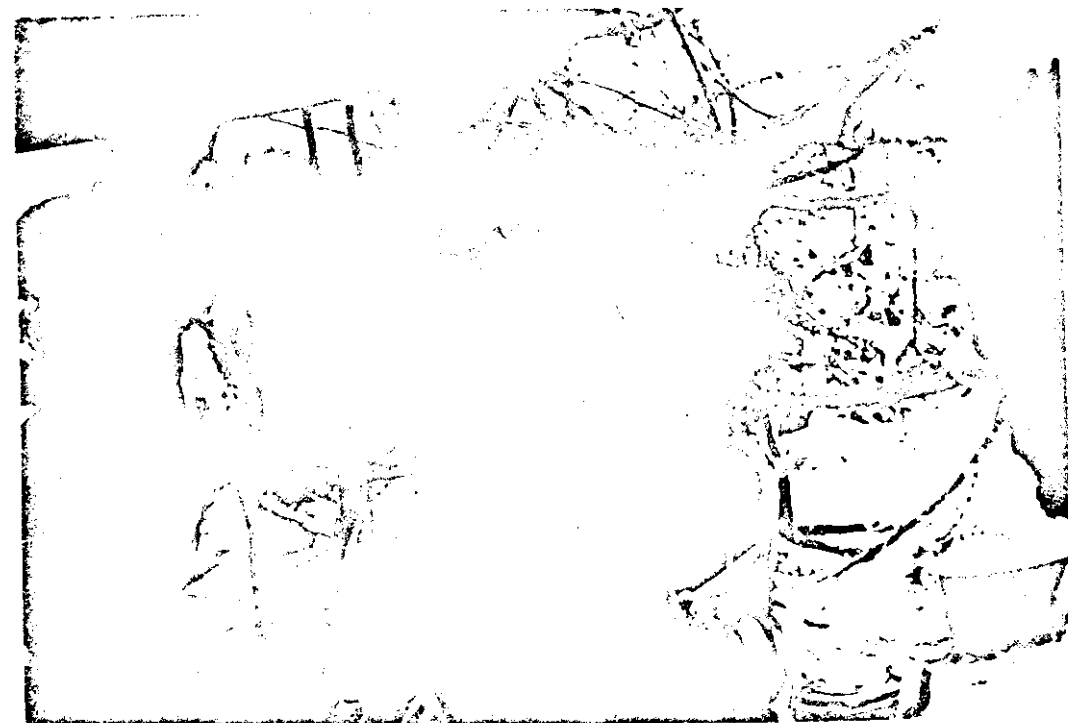
خلبان اسیر ستوانیکم پرهیز علی اشرفیان آذر در مصاحبه مطبوعاتی که در منطقه آزاد شده ظفار بر پا شده بود



قطعه ای از هواپیمای سوکرها نتر انگلیسی که در روز سوم ۱۲ ماه
در منطقه ظفار سقوط کرد

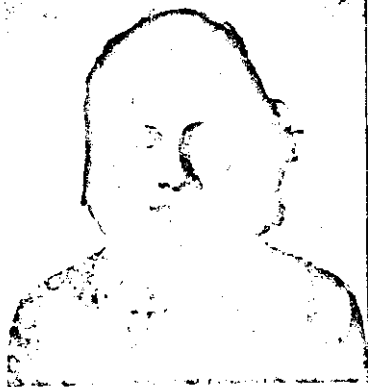


گروهی از رزمندگان ارتش آزاد یخس که در حال بازگشت از عطیات هستند تکه‌هایی از هواپیمای سرنگ شده را با خود حمل میکنند



مادر قهرمان طفاری قطعه‌ای از هواپیمای سرنگ شده بدست فرزندش از انقلابی خلق عمان را نگاه میکند

شهادت رفیق رفعت افراز در طقار



موز هشتم شهریور ماه یکی از فرزندان انقلابی خلق
رفیق رفعت افراز از اعضای سازمان مجاهدین
خلق ایران که از طرف سازمان بهاری برادران عمانی
خود در آن سوی خلیج اعزام شده بود، در عمان
شهادت رسید.

رفیق افراز در سال ۱۳۳۴ در شهر جهرم در خانواد
دای توسط متولد شد. بر اوایل جوانی پس از در

گذشت پدرش بود در همین تحصیل از طریق کارهای خانگی عهده دار قسمتی از مخارج زندگی مادر و
خواهرانش شد. پس از گذراندن دبیرستان به تدریس در مدارس جهرم و تهران پرداخت. او
آموزگار دلسوز و جدی و صدیق کودکان جهرم بود و در حلقه معلمی اش همواره به افشای جنایات
 رژیم شاه و بالابردن سطح آگاهی دانش آموزان می پرداخت.

فعالیت اجتماعی - سیاسی او از شرکت در برخی محافل مذهبی - سیاسی جهرم شروع شد. او در سال
۱۳۴۶ به تهران آمد و بعنوان مدبر دبستان رفاه مشغول به کار شد. از ابتدای اقامتش در تهران
در ارتباط با سازمان قرار گرفت و از سال ۴۹ به عضویت سازمان مجاهدین در آمد. از سال ۵۰ بویژه
پس از ضربه شهریور ۵۰ در در زمانیکه دیکتاتوری - پلیسی شاه جنایتکار شد بدترین حملات سرکوب را
 علیه انقلابیون خلق مالمعال می داشت، رفیق افراز با ساختن محفل‌هایی بیشترین وقت خود را برای
 مبارزه علیه دشمن خلق آزاد نمود و تا سال ۵۴ در حالیکه بصورت علنی زندگی می کرد - بمبارزه خود
 علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن ادامه داد.

در سال ۵۴ همزمان با تشدید حملات نیروهای متحد ارتش شاه و قاپوس - این سگان زنجیری امپریالیسم - لیسم آمریکا و انگلیس - علیه خلق قهرمان عمان برای استحکام وحدت هرچه بیشتر نیروهای انقلابی منطقه و باری رفتاری انقلابی ما در آسوی خلیج به جیبه نبرد علیه امپریالیسم - ارتجاع در ظفار اعزام شد . وی مشتاقانه از مبارزه در سخت ترین شرایط اقلیمی علیرغم ضعف جسمی اثر و علیرغم ابتلا به بیماری آسم استقبال نمود .

رفیق افراز چندین ماه همدوش رفتاری عمانی در اوتش آزادی بخش خلق عمان بر رهبری جیبسه خلق برای آزادی عمان به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه داد و در روز هشتم شهریور ماه ۱۳۵۴ در اثر ابتلا به یک بیماری بوی شهید شد .

گرامی بساد خاطرره مجاهد شهید رفعت افراز

مستحکم بساد همبستگی نیروهای انقلابی منطقه

سرگه بر امپریالیسم و سگان زنجیرش شاه و قاپوس

در منطقه